

گزیده شعر فارسی

با انتخاب

حکیم عالم درامی شیرازی

به کوشش

دکتر احمد خاتمی

استاد دانشگاه شهید بهشتی



کتابخانه

صفحه	عنوان
۱۲۶	اشرفی سمرقندی
۱۲۷	اثیرالدین اخسیکتی
۱۲۹	نظامی
۱۳۶	عطار
۲۱۳	کمالالدین اسماعیل
۲۱۵	سعدالدین حموی
۲۱۶	مولوی
۲۴۱	سعدی
۲۷۰	همام تبریزی
۲۷۰	امیرحسینی سادات
۲۷۱	شیخ محمود شبستری
۲۸۰	پوریای [پوریای] ولی
۲۸۱	امیرخسرو دهلوی
۲۸۲	اوحدی مراغه‌ای
۳۰۷	سعدالدین هروی
۳۰۷	ابن یمین
۳۰۸	شیخ مغربی
۳۰۹	عصّار تبریزی
۳۰۹	حافظ
۳۱۰	نسیمی
۳۱۰	ابوالوفا خوارزمی
۳۱۱	داعی شیرازی
۳۱۲	وحشی بافقی
۳۱۲	سحابی استرآبادی
۳۱۳	نظیری
۳۱۳	شیخ بهایی
۳۱۷	توضیحاتی درباره بعضی لغات، ترکیبات، تلمیحات و اعلام
۳۴۷	کتابنامه



پیشگفتار

فرهنگ ایرانی مملو از آمیخته به فلسفه بوده است. در دوران پیش از اسلام، فلسفه به گونه مرسوم در تمدن بزرگ مانند هند و چین و ژاپن - و نه یونان - با دین عجین بود. این آمیختگی چندین بار بوده است که اگر امروز پژوهشگری بخواهد درباره فلسفه ایران باستان اطلاعاتی به دست آورد ناگزیر از خواندن متون دینی است. کتاب‌های بُندهشن، دانای مینوگ‌خرد و بخش‌هایی از دناکرت که مطالبی در زمینه فلسفه اولی و جهان‌شناسی دارند، و گات‌های اوستا که حاوی تعالیم اخلاقی زردشتی است و خدای نامک‌ها که دربرگیرنده فلسفه سیاسی است، شاید صادقی برای اثبات این ادعاست. باقیمانده آثار مذهب مانویت که از نقل قول‌های دانشمندان به دست می‌آید، حکایت از ابعاد فلسفی اندیشه‌های مانوی دارد.

فلسفه در دوره اسلامی درخشندگی خاص یافت؛ دانشمندان عرب در قرن‌های دوم و سوم قمری بر روی ترجمه آثار فلسفی یونانی متمرکز شدند و در اواخر قرن سوم به شکلی نظام‌مند، اندیشه‌های فلسفی خود را عرضه کردند؛ تاریخ فلسفه در ایران را به پنج دوره تقسیم کرده‌اند:

۱- از آغاز تا قرن پنجم، عصر شاگردان ابن‌سینا که دوران طلایی فلسفه مشائی و اسماعیلی است.

۲- قرن‌های پنجم و ششم که دوران استیلای کلام بر فلسفه است.

۳- قرن هفتم تا دهم که دوران احیای فلسفه مشائی و رونق حکمت اشراق و تقریب مکتب‌های مختلف فلسفی است.

۴- از قرن دهم تا پایان دوره قاجار که با مکتب اصفهان شروع و به مکتب تهران ختم می‌شود.

۵- بعد از پایان دوره قاجار تاکنون که دوران هجوم فلسفه‌های غربی به ایران و در عین حال احیای فلسفه اسلامی و رویارویی با مکاتب فلسفی غرب است.^۱

باری، فلسفه مشایی که تلفیقی از اندیشه‌های توحیدی اسلام و فلسفه افلاطونی و نوافلاطونی بود به دست فارابی (۳۳۹-۲۵۷ ق.) قوام یافت؛ فارابی که رسائلی در منطق صوری نگاشته، درواقع پایه‌گذار منطق در فلسفه اسلامی است و به مسائل مهم و دقیقی مانند تالیف بین آراء افلاطون و ارسطو، در کتاب الجمع بین رأیی الحکمتین افلاطون الالهی و ارسطو، رابطه زبان و فلسفه در رساله الحروف پرداخت و با تدوین کتاب آراء اهل المدينة الفاضلة فلسفه سیاسی اسلام را نیز بنیان نهاد. بعد از فارابی ریاست حوزه بغداد با ابو سنان سجستانی منطقی (وفات حدود ۳۹۱ ق.) و زعامت حوزه خراسان با ابوالحسن عامری (وفات ۳۸۱ ق.) بود. اما بدون تردید شاخص‌ترین فیلسوف آن روزگار ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق.) است که با وجود او فلسفه مشائی به کمال رسید. از او بیش از دویست کتاب و رساله در حوزه فلسفه و دانش پزشکی به جای مانده است؛ در مشهورترین و آخرین اثر فلسفی‌اش یعنی الاشارات و التنبيهات به عرفان نیز تمایل نشان داد و در آثاری مانند حی بن یقظان، سلام و اسال و رساله الطیر، جریانی در نگارش متون فلسفی و عرفانی بنا نهاد که بعدها به دست نسخ اشراق کامل شد.

همراه با توسعه مکتب مشائی، فلسفه اسماعیلی نیز قوت یافت، ابوحاتم رازی (وفات ۳۲۲ ق.)، ابویعقوب سجستانی (قرن ۴ ق.) صاحب کتاب شرف المصنوع، و حمیدالدین کرمانی (وفات حدود ۴۰۸ ق.) در تقویت بنیان اندیشه فلسفی اسماعیلیان کوشیدند. همچنین در قرن چهارم، پنجاهویک رساله به نام رسائل اخوان الصفا نشر یافت که تأثیر فراوانی در تحولات فکری آن دوره و ادوار بعد گذاشت.

مهم‌ترین فیلسوف اسماعیلی مذهب ناصرخسرو قبادیانی (۴۸۱-۳۹۴ ق.) و مشهورترین اثر فلسفی او جامع الحکمتین است که در آن کوشیده است تا بین حکمت ایمانی و حکمت یونانی تلفیقی ایجاد کند. در اینجا ذکر نامه خواجه نصیرالدین طوسی و خدمات

۱. ر.ک: مقاله سید حسین نصر، چاپ شده در کتاب ایران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج دوم، ۱۳۹۰.

او به حکمرانان الموت از جمله تألیف کتاب تصورات در فلسفه اسماعیلی لازم است. هرچند خود او شیعه اثناعشری بود.

محمد بن زکریای رازی (وفات ۳۱۳ ق.)، هرچند از برجسته‌ترین پزشکان تاریخ طب ایران است، در عین حال فیلسوف هم بود. ابوعلی مسکویه (وفات ۴۲۱ ق.)، هم مؤرخ بود، هم فیلسوف. ابوریحان بیرونی نیز به فلسفه تمایلاتی داشت و با ابن سینا در طبیعات بحث‌هایی داشت.

با روی کار آمدن سلجوقیان و دفاع رسمی آن‌ها از کلام اشعری، فلسفه به حاشیه رفت و نه تنها تشکیلی برای تعلیم و تعلم فلسفه وجود نداشت که مخالفت با فلسفه و راندن فیلسوفان شیوه‌های گوناگون معمول و مرسوم شد. شاخص‌ترین چهره این دوره که باوقار تمام به نقد فلسفه و آراء فیلسوفان اشتغال داشت، امام محمد غزالی طوسی (۵۰۵-۴۵۰ ق.) بود. راء و اندیشه‌های او را که مخالف فلسفه به‌ویژه فلسفه ابن سیناست می‌توان در المنقذ من الضلال، مقاصد الفلاسفه و تهافت الفلاسفه دید. باین حال، میدان فلسفه در قرون پنجم و ششم یکسره از وجود فلاسفه خالی نشد، شیخ شهاب‌الدین سهرودی (۵۸۷-۵۴۹ ق.) معروف به شیخ اشراق، پایه‌گذار حکمت اشراق، در همین دوره ظهور یافت. حکمتی که بسیاری از فلاسفه قرن بعد را تحت تأثیر قرار داد.

پایه کلام فلسفی شیعی را خواجه نصیر دین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ ق.) با تألیف کتاب گرانسگ تجرید الاعتقاد گذاشت، اخلاق ناصیه او نیز از برجسته‌ترین آثار در زمینه اخلاق فلسفی و فلسفه اخلاق است و مانند دیگر کتاب مشهورش، اساس الاقتباس به فارسی است. از معاصران خواجه باید از افضل‌الدین کاشانی (وفات ۶۴۴) معروف به بابا افضل یاد کرد که آثارش را به فارسی نگاشت و نمونه خوبی را برای نشر فلسفی فارسی به یادگار گذاشت.

مکتب شیراز که در آن روزگار با قطب‌الدین شیرازی آغاز شده برپس از شمس‌الدین خضری (وفات ۹۶۰ ق.) رو به افول نهاد. از علل افول مکتب شیراز، نفوذ مکتب اشعری در شیراز و حضور شخصیت‌های برجسته‌ای مانند عضدالدین ایجی (وفات ۷۵۶ ق.) صاحب المواقف و سعدالدین تفتازانی (وفات ۷۹۲ ق.) صاحب شرح الشمسه و میر سید شریف جرجانی (وفات ۸۱۶ ق.) صاحب شرح المواقف بود؛ بعد از قطب‌الدین شیرازی، میر صدرالدین محمد دشتکی (۹۰۳-۸۲۸ ق.) که به «سید سند» مشهور است، از مشهورترین فلاسفه مکتب شیراز به شمار می‌آید و مشهورترین اثرش، شرح الکبیر علی

شرح الجديد للتجريد است. پسر میر صدرالدین، میر غیاث‌الدین دشتکی (۹۴۸-۸۶۴ ق.) هم از بزرگان فلاسفه آن دوران است و مهم‌ترین آثارش، شرح بر تجرید خواجه نصیر و شرح بر هیاکل النور سهرودی است. سید حیدر آملی (وفات بعد از ۷۸۲ ق.) صاحب جامع الاسرار و شرحی بر قصوص و صائن‌الدین ترکه اصفهانی (وفات ۸۳۶ ق.) صاحب تمهید القواعد سعی کردند که حکمت مشاء و حکمت اشراق و عرفان و کلام را به هم نزدیک کنند؛ تلاش ایشان و بسیاری از فلاسفه هم‌عصر آنها منجر به پیدایش مکتب اصفهان شد و زمینه را برای ظهور ملاصدرا فراهم ساخت:

صدرالدین سیرانی محمدبن ابراهیم معروف به ملاصدرا و ملقب به صدرالمتهلین (وفات ۱۰۵۰ ق.) نام‌آورترین فیلسوف عهد صفوی و از مشاهیر فلاسفه اسلامی است. او تحصیل علوم عقلی را در حد کمال در محضر استاد بزرگ روزگار خود، میر محمدباقر داماد (وفات ۱۰۴۰ ق.) گذراند و علوم نقلی را در خدمت شیخ بهاء‌الدین عاملی (۱۰۳۰-۹۵۳ ق.) معروف به شیخ ایوبی آموخت و جامع و سرآمد علوم عقلی و نقلی زمان خود شد و آثار ارزشمندی را در دو زمینه تألیف کرد. با آنکه مردی متعبد و پارسا بود و هفت بار موفق به رساندن حان خدا شده بود، غالباً مورد طعن و ایداء متشرعه قرار می‌گرفت و مکرر از جانب سواران رؤسای آنها اهانت و آزار می‌دید.

شیخ محمدباقر خوانساری می‌نویسد: «در چندین کتاب از مصنفاتش سخنانی است که با ظواهر شریعت سازگار نیست، و ظاهراً مبتنی است بر اصطلاح‌هایی که ویژه اوست و نمی‌توان آنها را به هیچ‌روی دلیل کفر و تباهی اعتقاد او نمود، اگرچه این امر مایه بدگمانی گروهی از فقیهان بزرگ به او و به کتاب‌های او گردید. فتوی دادند به کفریش شده است؛ و از میان این فقیهان عالم یکی در وصف شرحی که صدرالدین بر اصول کافی نوشته چنین گفت که: شرح‌های کافی بسیار و همه در مرتبه‌ای بلند هستند ولی نخستین کسی که آن را شرح کفران نیز کرده این صدراست... و باز صاحب لؤلؤة^۱ از او ضمن استادان دامادش، مولی‌محسن فیض، در حکمت و کلام یاد کرده و گفته است: اما مولی صدرالدین مذکور صدرالدین محمد ابن ابراهیم مشهور به ملاصدرا، حکیم و فلسفی و صوفی بحت بوده و هنگامی که به سفر می‌رفت در بصره به سال ۱۰۵۰ درگذشت، و او را پسری دانشمند است... به نام میرزا ابراهیم که مردی فاضل و عالم و

۱. ترجمه روضات الجنات، ج ۴ ص ۱۲۱. به نقل از تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۱، صص ۳۲۰-۳۱۹.

۲. مقصود لؤلؤة البحرین تألیف یوسف بن احمد البهرانی (م ۱۱۸۶ ق) است.

متکلم بزرگوار شریف و جامع بیشتر دانش‌ها خاصه دانش‌های عقلی و ریاضی بود و یکی از یاران ما بعد از ستایش او گفت که او به راستی مصداق «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ» است، و او دانش را از چند تن و از آن جمله از پدرش آموخت، لیکن بر مسلک او راه نپیمود و خلاف طریقه پدر در تصوف و حکمت بود، و در زمان دولت شاه عباس دوم به سال ۱۰۷۰ در شیراز درگذشت و از تألیف‌های او حاشیه‌ای بر شرح لمعه تا کتاب زکات، و کتاب عروة الوثقی در تفسیر است.»

صدرالمتألهین در اواخر عمر با حمایت الله‌وردی خان، حاکم فارس به شیراز رفت و مجالی برای تدریس حکمت در شیراز یافت.

آثار او در حکمت و بعضی از رشته‌های علوم شرعی متعدد است و شمار آن‌ها از کتاب و رساله، بالغ بر چهل اثر است که همه آن‌ها بجز «رسالة سه اصل» به زبان عربی است. البته در مجموع رسائل که کتابخانه ملی نشر کرده است (۱۳۸۸ ش.) و این کتاب بخشی از آن یعنی اشعار منتجب ملاصدرا را دربرمی گیرد، رساله‌ای به نام رسالة نماز آمده که آن‌هم به فارسی است. بزرگ‌الدین آشتیانی «دقت نظر در مباحث عقلیه به حدّ اعلی و تتبع و احاطه کامل به مباحث فلسفی و اقوال اهل دانش، سرعت انتقال و ذوق سرشار، قدرت فکری، قوت و استقامت که نظیر در تحقیق معضلات و حسن سلیقه در انتخاب مطالب، صفا و روشنی ضمیر، اعراض از تجملات ظاهریه، اشتغال به ریاضات و مجاهدات شرعیه، پیروی از طریقه انبیاء و اولیاء علیهم السلام» را مجموعه فضایی می‌داند که در این مرد بزرگ جمع بوده است.

اکنون برای نمونه موضوع بعضی از کتب صدرالمتألهین با رعایت کمال اختصار ذکر می‌شود: کتاب الحکمة المتعالیه یا اسفار اربعه در چهار کتاب به شرح زیر است:

کتاب اول درباره وجود و مظاهر آن، کتاب دوم درباره جواهر بدن مانند عقل و نفس و نیز اعراض آن‌ها مانند جسم، کتاب سوم درباره خداشناسی و کتاب چهارم درباره نفس است و اختصاص دارد به کلیات اندیشه صدرای شیرازی در حکمت طبیعی و حکمت الهی که در آن برهان و شهود را به هم آمیخته و از این دو راه به بیان مطالب مهمی درباره اصالت وجود، حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول، حدوث عالم، تجرد خیال، مثال افلاطونی و عالم مثال، معاد، با رعایت جانب استدلال توفیق یافته است.

الشواهد الربوبیه در میان کتاب‌های ملاصدرا ارزش خاص دارد. زیرا چنانچه او خود گفته بسیاری از اندیشه‌های خود و اسرار حکمت خویش را که به تفاریق در

کتاب‌هایش آورده و یا اصلاً از بیم نامحرمان نتوانسته است آشکارا بگوید در این کتاب مندرج ساخته است. صدرالمآلهین این کتاب را بر پنج مشهد منقسم کرده: مشهد اول در امور عامه، مشهد دوم در وجود خدا و آفرینش، مشهد سوم در علم معاد، مشهد چهارم در اثبات حشر جسمانی و مشهد پنجم در نبوت و ولایت است و هر مشهد از چندین شاهد و هر شاهد در چندین اشراق مرتب شده است.

در الحکمة العرشیه از معرفت واجب‌الوجود و معاد سخن رفته است؛ و الواردات القلییه موقوف شده است بر بیان اسراری از حکمت الهی که از حکیمان دیگر به عاریت نگرفته و رازهای آنی است که بر قلب صدرالدین وارد گردیده است؛ و کتاب المشاعر، اختصاص به حکمت الهی دارد و در آن از وجود واجب و یگانگی صفت‌های او و خلقت سخن می‌رود و رساله طرح الکونین بدین اصل توجه شده است که معاد و رستخیز برای همه هست و جملگی «هست‌ها» به جهان الهی و ملکوتی بازگشت خواهند داشت.

ذکر این نکته لازم است که سمن متعالیه ملاصدرا، برخلاف تعلیم ابن رشد و ابن‌سینا در دنیای غرب انعکاس نیافت و عادت آن غیر از عدم توجه اروپائیان آن اعصار به حکمت شرقی، تا حدی هم ناشی از انعکاسات بعد از صفویه و انحطاط سیاسی و اقتصادی شرق بود که پایان عهد صفویه دیگر انظار را در خارج از کشور جلب نکرد. طرفه آن بود که حتی بعدها در عهد قاجار هم کتاب وگه سمن نماینده سیاسی معروف فرانسه در ایران که در اروپا فیلسوف و محقق و سرخ شناخته می‌شد در کتابی که راجع به ادیان و عقاید فلسفی در آسیا تصنیف کرد، اسرار سمن راالدین شیرازی را که ظاهراً جز نامی از آن نشنیده بود چهارکتاب در باب سمرها (= برنامه؟) پنداشته بود.

در حقیقت، اروپا بعد از ابن رشد اندلسی، که با آثار او نیز غالباً از طریق ترجمه‌های عربی و لاتین آشنایی داشت، کوششی برای شناخت فلسفه اسلامی به انجام نرسانید و تا این اواخر با وجود آن را به کلی انکار کرد، یا با معیارهای جدید خود آن را درخور توجه نیافت و به هر حال بی‌شک از این بابت زیان کرد.^۳

۱. رک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۱، صص ۳۲۵-۳۱۹.

2. Conte de Gobineau

۳. در قلمرو وجدان، صص ۳۲۱-۳۲۰.

ملاصدرا و شعر

ملاصدرا در کنار تصنیفات و تألیفات فلسفی و فقهی و تفسیری، با شعر و ادب فارسی هم مأنوس بوده است. مجموعه منتخبات شعری او که در این کتاب جمع آوری شده، حکایت از میزان علاقه او به شعر فارسی دارد. شاهد دیگری که میزان علاقه مندی او را به شعر و شاعری نشان می‌دهد، مجموعه ابیاتی است که در قالب مثنوی سروده و بالغ بر ۲۱۵۰ بیت است. این مثنوی با عنوان مثنوی ملاصدرا به چاپ رسیده است.^۱ در بعضی از تذکرها هم اشعاری به او نسبت داده‌اند، از جمله در ریحانة الادب رباعی زیر به ملاصدرا منسوب است:

آنال که ره دوست گزیدند همه در کوی شهادت آرمیدند همه
در معرکه و کتب فتح از عشق است هر چند سپاه او شهیدند همه

البته اشعار ملاصدرا که جهر^۲ برجسته فلسفه و حکمت اسلامی است بیشتر جنبه تفنن دارد و انتظار اهل ادب از اشعار نیز با همین ملاحظه است و به هیچ‌روی نباید او را با استادش، شیخ بهایی و دامادش، دامن‌س^۳ فیض کاشانی مقایسه کرد. نمونه‌ای از اشعار اوست:

در بیان راه سلوک و عشق و اختلاف مذاهب

«در بیان راه خدا که سلوک روندگان حقیقین است و مبدأ آن و محرک عشق حقیقی و اشاره به اختلاف مذاهب ناس».

مبدأ هر جنبشی عشق است و شوق	می‌دواند عین، عاشق را به فوق
مبدأ عشق بهیمی شهوت است	غایت او لذت یک ساعت است
مبدأ حب ریاست هم، هواست	مبدأ عشقی طلب کسان از خداست
هر کسی را هست معبودی دیگر	در دل او بوده دائم جلوه‌گر
مقصد هر یک بود نوعی جدا	زین سبب افتاده هر یک جابه‌جا
زین عبادت‌ها که هر یک می‌کنند	بیخ ایمان را ز تن برمی‌کنند
بهر حق آورده روزی را به شب	بی‌ریا، ناورده ذکر را به لب
نانهاده گام، جزاز بهر کس	نام حق نابرده جز او بهر نام

۱. مثنوی ملاصدرا، به کوشش مصطفی فیضی، قم، کتابخانه آیت‌الله‌العظمی نجفی مرعشی، ۱۳۷۶.

نیست معبود همه، غیر از هوی
 هست معبود یکی، مال و منال
 آن یکی شهوت پرستی می‌کند
 آن یکی از درس و فتوی، هستی‌اش
 آن یکی بر قرب سلطان متکی است
 وین دگر از مذهب لاف و گزاف
 نفس مذهب را عبادت می‌کند
 با خدا، مصطفی دارد عتاب
 وین ندانست که مذهب، مذهب است
 مذهب از بهر سحر است و عمل
 مرد ذاهب نیست در دل مذهبش
 مرد ره روزانه در راه دوست
 تو ذهاب خواهی نه مذهب زین سبب
 نی دمی، الله پرستی می‌کند
 فرق ناکرده میان ره و عیب
 ره که شد معبود، نبود راه هم
 سالکان را التفاتی نه به ره
 این سلوک سالکان بهر رب است
 این سلوک سالکان بهر خداست
 تو گرفتار تعصب بوده‌ای
 نفس خود را می‌پرستی نه خدا
 گر تو حق را می‌پرستیدی دمی
 گر ترا بویی ز حق در جان بُدی
 طعم عرفان گر تو باور داشتی
 تو بخود مغروری ای شیطان پناه
 دوستی آن که با حق صادق است
 تو به عرفان دشمنی، ای بوالفضول
 تو که با ارباب دانش، دشمنی
 دوست دارد هر که یزدان دوست است
 هر که چیزی را بسی خواهان بود
 یک قدم ننهاده در راه خدا
 هست مقصود یکی، جاه و جلال
 وین دگر از جاه، مستی می‌کند
 وین دگر از زهد و تقوی مستی‌اش
 اعتمادش بر عطای کرمکی است
 جز تعصب نبودش، هیچ اعتراف
 مستی و تقلید، عادت می‌کند
 که چرا به زین نکردندی خطاب
 سوی مذهب الیهی کان رب است
 نیست بهر حرفت و جنگ و جدل
 بسکه در سعی است هر روز و شبش
 کارفرمای سلوکش نه جز اوست
 حاصل از مذهب نداری، جز ذهاب
 بلکه داثم ره پرستی می‌کنی
 راه را خوش می‌پرستی، ای عجب
 سبکی ره، ره بلدی ای مستهم
 به پرستیدن چه باشد جز سفه
 نه بران اشتها و مذهب است
 نی بران شهوت و زرق و ریاست
 حب و بغض خویش را بستوده‌ای
 بر خدا مشت منته، ای بی حیا
 داشتی با حق پرستان همدمی
 کی چنین مغرور و سرگردان بُدی
 حق پرستان را نکوتر داشتی
 یک قدم ننهاده در راه اله
 طبع او بر اهل عرفان عاشق است
 طبع شومت زین نمط دارد غدول
 پس چگونه دوستی با حق کنی
 مغز دانش‌ها که نه چون پوست است
 همش در غور و تحقیقش رود

از معارف گونه‌ای نفرت فرا زین خلاصی نامه بیتی کن ادا
 جملگی اندر بیان مذهب است در طریلق بندگی سوی رب است
 بیخ زنگ و ظلمت از دل می‌کند قلع باب شک و شبهت می‌کند
 گر خوش افتد مر ترا زین نکته‌ها در حق ناظم بیاد آور دعا
 گر دعاگوئی، دعا گوید خدات ور جفا سازی تو دانی و جفات
 گر خوشم گویی، دلت خوشنود باد ور بدم گوئی خدا مزدم دهاد^۱

درباره این کتاب

این کتاب دیرگیرنده اشعاری از شاعران پارسی‌گوی است که به دلایلی توجه حکیم متأله ملاصدرا شیرازی را به خود جلب کرده و آن‌ها را در ضمن مجموعه‌ای از رسائل و یادداشت‌های خود گردانده است. اصل مجموعه با عنوان «رسائل و گزیده‌هایی به خط حکیم ملاصدرا شیرازی» در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. در سال ۱۳۸۸، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تعداد محدودی از این نسخه را به صورت عکس با کیفیت بسیار مطلوب تکثیر کرد و آنرا - تیار بعضی از محققان قرار داد. به لطف جناب آقای علی اکبر اشعری - رئیس وقت سازمان اسناد و کتابخانه ملی - نسخه‌ای از آن هم نصیب من شد. به هنگام مراجعات مکرری که به این مجموعه نفیس داشتم، ابیات پراکنده‌ای که حکیم در لابه‌لای رساله‌ها و نامه‌ها و یادداشت‌های خود داشت، نظر مرا به خود جلب کرد و مرا به تأمل بیشتر در اشعار منتخب و ساماندهی رسائل و آن‌ها برانگیخت. مدت‌ها به این موضوع اندیشیدم که به چه شیوه‌ای می‌توان این اشعار را منظم کرد که خواننده علاقه‌مند بیشتر و بهتر بتواند از آن‌ها - که از نگاه فیلسوفی متعهد و متصاف و زهد شیعی انتخاب شده‌اند - بهره‌مند شود. سرانجام به این نتیجه رسیدم که ابیات پراکنده را شاعر در مجموعه خطی تجميع و اشعار شاعران به ترتیب زمانی تنظیم شود. بنابراین:

- ابیات هر شاعر که در نسخه خطی به صورت پراکنده و بعضاً در چندین موضع نقل شده بود، تجميع شده و یکجا در اختیار خواننده گرامی قرار گرفته است.
- اشعار برگزیده براساس سالمرگ شاعر مرتب و جنبه تاریخی ادبی آن رعایت شده است.

۱. مثنوی ملاصدرا، صص ۱۱۵-۱۱۳. برای دیدن مجموعه اشعار ملاصدرا رک: مجموعه اشعار فیلسوف کبیر، صدرالدین شیرازی «ملاصدرا» با مقدمه و تصحیح، محمد خواجوی، تهران، مولی، ۱۳۷۶.

- محل درج ابیات در نسخه خطی با ذکر شماره ابیات در پاورقی ذکر شده است.
- به خلاصه‌ای از احوال هریک از شاعران و ذکر آثار آنها در آغاز اشعارشان «اشاره» شده است.
- ابیات مربوط به هر شاعر از شماره یک، شماره‌گذاری شده است.
- کتاب حتی المقدور براساس رسم الخط مصوب فرهنگستان تنظیم شده است.
- فاصله میان بیت یا ابیات براساس فاصله‌ای است که در نسخه خطی وجود دارد.
- جا افتادگی‌های نسخه خطی داخل [] آمده است.
- ابیات نسخه خطی، با معتبرترین نسخه چاپی مقایسه و تفاوت‌ها در پاورقی نقل شده است.
- بهم ریختگی، بی‌گانه‌ها در نسخه خطی وجود دارد که از جمله آن‌ها آمیختگی اشعار بعضی از شاعران با یکدیگر است. برای نمونه، در صفحه ۲۷ نسخه خطی ابیاتی از مصیبت‌نامه طبر در لابه‌لای ابیات مثنوی مولوی آمده است؛ و یا در صفحه ۱۹۷ نسخه سنی، بیات قطران ذیل اسدی طوسی آمده است؛ در موارد مذکور و مشابه تا آن‌جا که قدرت بود اصلاحات لازم اعمال شد.
- در نسخه خطی، به‌ندرت، نادرسی‌هایی در نسبت اشعار به شاعران وجود دارد. از جمله در صفحه ۱۹۸، اشعاری به منوچهری نسبت داده شده است که در دیوان او نیست. بعد از تحقیقات معلوم شد که ابیات مذکور بنا به گزارش آقای مهرداد چترایی در مجله «گزارش مکتوب» (دوره دوم، سال پنجم، شماره ۴۹، بهمن و اسفند ۱۳۲۰) ظاهراً از قصیده تملاج بن منوچهر شصت کله است. نمونه‌های دیگر در پاورقی کتاب آمده است.
- نمونه‌هایی وجود دارد که ابیاتی در مجموعه ملاصدرا تکرار شده است و بعضاً تکرار ابیات یا فاصله کمی است. مثلاً در صفحه ۲۸۸ نسخه خطی بیت «گام زن همچو روز روشن باش / نه فسرده چو بام و روزن باش» با فاصله یک بیت تکرار شده است؛ در صفحه ۲۶۵ و ۲۸۸ و در صفحات دیگر هم تکرارهایی وجود دارد که در جای خود به آن‌ها اشاره شده است.
- در بعضی از ابیات در نسخه خطی اختلالاتی در وزن و قافیه وجود دارد، مثلاً در صفحه ۳۵۷ نسخه خطی، مصرع «به کین من چنان کرد سنگین دل» از نظر وزن و قافیه اشکال دارد و براساس نسخه چاپی چنین است: «به کین من چنان کرد دل سنگین». این نادرستی‌ها هم با آن‌جا که ممکن بود براساس نسخه‌های چاپی اصلاح و در پاورقی توضیح داده شد.

- در نسخه خطی بعضاً نادرستی‌های نگارشی هم به چشم می‌خورد، مانند «از آن پس، سرسوی‌خان‌کرم نه» در صفحه ۳۶۳ که قطعاً مقصود «خوان» است و سهوالقلمی صورت گرفته است. همچنین است «خابناک» به جای «خوانناک» در صفحه ۲۰ و نمونه‌های دیگر که در جای خود اصلاح شده‌اند.

باری، نگارنده در ابتدا قصد داشت که مجموعه مطالب نسخه خطی را به چاپ برساند اما به دلایلی، از جمله داشتن مخاطبان گوناگون و با این استدلال که بهتر است هر بخش از آن به تناسب حال و احوال و نیاز مخاطبان طراحی گردد، از انتشار همه مطالب مجموعه منصرف شد و تنها به بخش شعر آن اهتمام نمود و البته گلشن راز را که به صورت کامل در مجموعه خطی آمده است از این بخش جدا و انتشار آن را به کتاب مستقلی موکول کرد.

نام شاعران، آثار و تعداد ابیات، منتخب ملاصدرا از آثارشان، به شرح زیر است:

ابن یمن	۳ بیت
ابوالفا خوارزمی	۴ بیت
ابوالفرج رونی	۱۸ بیت
اثیرالدین اخسیکتی	۳۰ بیت
اسدی طوسی	۹ بیت
اشرفی سمرقندی	۵ بیت
امیر حسینی سادات	۷ بیت
امیر خسرو دهلوی	۱ بیت
انوری	۴۴۸ بیت
اوحدی مراغه‌ای	۱۰ بیت
بدون نام شاعر	۱۰ بیت
پوریای ولی	۲ بیت
جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی	۳۶ بیت

حافظ	بیت ۱
حسن غزنوی	بیت ۲۰
خاقانی: تحفه العراقین	بیت ۲۳۳
خسروانی	بیت ۵
خیام	بیت ۲
داعی شیرازی	بیت ۵
رشید رطوانی	بیت ۱۱
سحابی استرآبادی	بیت ۲
سعدالدین حموی	بیت ۲
سعدالدین هروی	بیت ۸
سعدی: بوستان	بیت ۵۱۶
سعدی: گلستان	بیت ۳
سنایی غزنوی: دیوان	بیت ۳۲
سنایی غزنوی: حدیقه	بیت ۱۱۲۰
سیف الدین اعرج	بیت ۳
شیخ بایزید	بیت ۲
شیخ بهایی	بیت ۱۳
شیخ مغربی	بیت ۲
عصار تبریزی	بیت ۵
عطار: اسرارنامه	بیت ۹۴۷
عطار: دیوان	بیت ۶
عطار: مصیبت نامه	بیت ۱۸
عطار: منطق الطیر	بیت ۴۰۴

عمادی شهر یاری	بیت ۱۱
فخرالدین اسعد گرگانی	بیت ۲
فردوسی	بیت ۱۶
قطران تبریزی	بیت ۱۷
کمال الدین اسماعیل	بیت ۲۵
لصاحب المکاتیب	بیت ۶
مجید الدین بیلگانی	بیت ۱
محمود ششتری: سعادت نامه	بیت ۱۵۳
مسعود سعد سلمان	بیت ۳۴
منوچهری دامغانی	بیت ۳۶
مولوی: دیوان	بیت ۲
مولوی: مثنوی	بیت ۲۸۲
میر عبدالغنی	بیت ۲
ناصر خسرو	بیت ۲۸
نسیمی	بیت ۶
نظامی: اقبالنامه	بیت ۱۰
نظامی: خسرو و شیرین	بیت ۲۹
نظامی: شرفنامه	بیت ۵۲
نظامی: لیلی و مجنون	بیت ۲۸
نظامی: مخزن الاسرار	بیت ۲
نظیری	بیت ۲
وحشی بافقی	بیت ۵
همام تبریزی	بیت ۲

براساس گزارش مذکور حدیقه الحقیقه سنایی با ۱۱۲۰ بیت؛ اسرارنامه عطار با ۹۴۷ بیت؛ بوستان سعدی با ۵۱۶ بیت؛ دیوان انوری با ۴۴۸ بیت و منطق الطیر عطار با ۴۰۴ بیشترین ابیات و دواوین حافظ، امیرخسرو دهلوی و مجیدالدین بیلقانی هر یک با ۱ بیت و دواوین سحابی استرآبادی، خیام، پوریای ولی، شیخ مغربی، سعدالدین حموی، شیخ بایزید، شیخ بهایی و مولوی (غزلیات) هر یک با ۲ بیت کمترین ابیات منتخب را در این کتاب به خود اختصاص داده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد منتخبات ملاصدرا از دواوین شعرا برای پژوهشگران به‌ویژه اهل ادب و فلسفه حائز اهمیت فراوان باشد و تجزیه و تحلیل آن بتواند نتایج مطلوبی را در پی داشته باشد.

نکته دیگری که در انتخاب اشعار جلب توجه می‌کند، توجه این حکیم و فیلسوف عالیقدر به حوزه شعر ادب فارسی است که احتمالاً مجموعه دواوین شعر فارسی را در اختیار داشته و اوقات قابل توجهی را صرف خواندن، گزیدن و نوشتن اشعار موردعلاقه خود کرده است.

شایان ذکر است که در راجع بایانی کار، نگارنده آگاهی یافت که این مجموعه براساس نسخه‌ای خطی و شخصی، نزدیک و مشابه نسخه موجود در کتابخانه ملی، بر همان سبک و سیاق پراکنده و آبیخنگ متون نثر و نظم فارسی و عربی و اختلاط موضوعات فلسفی و ادبی و فقهی و ... با عنوان جنگ ملاصدرا به چاپ رسیده است؛ اما تمرکز بر اشعار فارسی، تفاوت در روش تدوین و کیفیت شیوه تنظیم اشعار و توضیحات افزوده بر متن در این کتاب، که قطعاً برای خوانندگان ادب‌دوست کارآمدتر است، نگارنده را از ادامه کار و انتشار این اثر بازداشت. ضمناً این که در مجموعه منتشر شده، بدخوانی‌ها و نادرستی‌هایی از جمله انتساب نثرهای بعضی از اشعار به بعضی از شاعران، مانند انتساب اشعار قطران تبریزی به اسدی غوس (در صفحه ۲۲۲ جنگ) وجود دارد. با این حال نگارنده کوشش شادروان مصطفی نصیری کاشانی را ارج می‌نهد و پژوهشگران را به استفاده از این کتاب نیز توصیه می‌نماید.

در استخراج ابیات از نسخه خطی و مطابقت آن‌ها با نسخه‌های چاپی، سرکار خانم دکتر زهره نصیری کمک‌ها نموده‌اند و یاری‌ها کرده‌اند. از الطاف ایشان سپاسگزارم.